

سوره مؤمنون

شماره: ۲۳
محل نزول: مکه

جزء: ۱۸
ترتیب نزول: ۷۴

تعداد آیه: ۷۸

ahlolbait.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش
همیشگی.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

بی تردید مؤمنان رستگار شدند. (۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور

قلب] اند. (۲)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

و آنان که از [هر گفتار و کردار] بیهوده و بی فایده روی

گردانند، (۳)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

و آنان که پرداخت کننده زکات اند، (۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ

و آنان که نگه دارنده دامنشان [از شهوت های حرام] اند،

(۵)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ
مَلُومِينَ

مگر در [کام جویی از] همسران یا کنیزانشان، که آنان [در
این زمینه] مورد سرزنش نیستند. (۶)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

پس کسانی [که در بهره گیری جنسی، راهی] غیر از این

جویند، تجاوزکار [از حدود حق] هستند. (۷)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنان که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند،

(۸)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی]

نمازهایشان محافظت دارند. (۹)

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

اینانند که وارثان اند، (۱۰)

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وارثانی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث

می برند [و] در آن جاودانه اند. (۱۱)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ

و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده ای از گل آفریدیم،

(۱۲)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ

سپس آن را نطفه ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر]

قرار دادیم. (۱۳)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا
 الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا
 آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

آن گاه آن نطفه را علقه گردانیدیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان هایی ساختیم و بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است. (۱۴)

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ

سپس همه شما بعد از این می میرید. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

آن گاه شما مسلماً روز قیامت برانگیخته می شوید. (۱۶)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ
غَافِلِينَ

و بی تردید بالای سرتان هفت آسمان [که هر یک بر فراز دیگری
است] آفریدیم، و ما از آفریده ها بی خبر نیستیم. (۱۷)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ طً وَإِنَّا
عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ

و از آسمان، آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای
دادیم؛ و بی تردید به از بین بردن آن کاملاً توانمندیم. (۱۸)

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ
كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

پس به وسیله آن برای شما باغ‌هایی از درختان خرما و انگور پدید
آوردیم که برای شما در آنها میوه‌های فراوانی است [که از فروش آنها
زندگی خود را اداره می‌کنید] و [نیز] از آنها می‌خورید. (۱۹)

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدَّهْنِ وَصِبْغٍ
لِلْأَكْلِينَ

و [به وسیله آن] درختی را که از طور سینا بیرون می آید [پدید
آوردیم] که برای خورندگان، روغن و نان خورشی می رویاند.

(۲۰)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

و به یقین برای شما در دام ها عبرتی است، از شیری که در شکم آنهاست به شما می نوشانیم، و در آنها برای شما سودهای فراوانی است، و از [گوشت] آنها [نیز] می خورید. (۲۱)

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید؛ (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما نیست، پس آیا [از پرستش معبودان باطل] نمی پرهیزید؟ (۲۳)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا
سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

پس سران و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که می خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می خواست [پیامبری بفرستد] قطعاً فرشتگانی [را به پیامبری] می فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می گوید] میان پدران پیشین خود نشنیده ایم. (۲۴)

إِنَّهُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

او نیست جز مردی که [نوعی] دیوانگی در اوست؛ بنابراین نسبت
به او تا مدتی منتظر بمانید [که بمیرد یا از دیوانگی رهایی یابد].

(۲۵)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

[نوح] گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده.

(۲۶)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا
 وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ
 سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ

مُغْرَقُونَ

پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و پیام ما کشتی بساز و هنگامی که فرمان ما به هلاکت آنان بیاید و آن تنور [از آب] فوران کند از هر گونه ای [از حیوان] دو عدد [یکی نر و دیگری ماده] و نیز خانواده ات را وارد کشتی کن، جز افرادی از آنان که فرمان [عذاب] بر او گذشته [و درباره او قطعی شده] است، و درباره کسانی که [به سبب شرک و کفر] ستم ورزیده اند، با من سخن مگوی، زیرا [همه] آنان بدون تردید غرق شدنی اند.

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس هنگامی که تو و آنان که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید، به
خاطر این نعمت بگو: همه ستایش ها ویژه خداست که ما را از
این گروه ستم پیشه نجات داد. (۲۸)

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

و بگو: پروردگارا! مرا در جایگاهی پر خیر و برکت فرود آور،

که تو بهترین فرود آورندگان. (۲۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

همانا در این [سرگذشت] نشانه هایی [از قدرت، رحمت و انتقام
خدا] برای عبرت گیرندگان است؛ و یقیناً ما آزمایش کننده
بندگانیم. (۳۰)

تُمْ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۳۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ
غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و پیامبری از خودشان در میان آنان فرستادیم که خدا را پرستید،
شما را جز او معبودی نیست، آیا [از پرستش معبودان باطل]
نمی‌پرهیزید؟ (۳۲)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الْآخِرَةِ
وَأَتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ
مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

و از سران و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و آنان را در زندگی دنیا از وسایل و ابزار مادی فراوانی برخوردار کرده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که از آنچه شما می خورید می خورد، و از آنچه شما می آشامید می آشامد. (۳۳)

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ

و بی تردید اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید، یقیناً

زیانکارید. (۳۴)

أَيُّدِكُمْ أَنَّا إِذَا مِتُّمُ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّا كُمُ مَخْرَجُونَ

آیا به شما وعده می دهد هنگامی که از دنیا رفتید و خاک و

استخوان شدید [زنده از گور] بیرونتان می آورند؟ (۳۵)

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ

[از عقل ما] دور است و بسیار دور است آنچه به شما وعده

می دهند، (۳۶)

إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

جز این زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] وجود ندارد، همواره
[گروهی] می میریم و [گروهی دیگر] به دنیا می آییم، و ما پس از
مرگ برانگیخته نخواهیم شد. (۳۷)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ
بِمُؤْمِنِينَ

او نیست مگر مردی که بر خدا افترا بسته است؛ و ما باور

کننده او نیستیم. (۳۸)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (۳۹)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ

خدا فرمود: همانا پس از اندک زمانی پشیمان می شوند.

(۴۰)

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ عُتَاءً ۚ فَبُعَدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ

پس فریاد مرگبار [عذاب] آنان را بر [پایه وعده به] حق [ما] فرو
گرفت، و آنان را چون خاشاک روی سیل قرار دادیم؛ پس قوم
ستمکار [از رحمت خدا] دور باد. (۴۱)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۴۲)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

هیچ امتی از اجلِ [معین] خود نه پیش می افتد و نه پس

می ماند. (۴۳)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ ۖ كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۖ
فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۖ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا
يُؤْمِنُونَ

آن گاه پیامبران را پی در پی فرستادیم؛ هر زمان برای امتی پیامبرش می آمد او را
تکذیب می کردند، و ما این [امت] ها را به دنبال یکدیگر هلاک می کردیم و آنان را [به
صورت] سرگذشت ها [برای عبرت دیگران] قرار دادیم؛ پس ملتی که ایمان نمی آورند
از رحمت خدا دور باد. (۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و آیات خود و

دلیلی روشن فرستادیم، (۴۵)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأِيهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند؛

و آنان قومی برتری جو بودند. (۴۶)

فَقَالُوا أَنْوْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ

و گفتند: آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در

حالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ (۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

در نتیجه هر دو را تکذیب کردند و از هلاک شدگان شدند.

(۴۸)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

همانا ما به موسی کتاب دادیم، تا آنان هدایت شوند. (۴۹)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ
قَرَارٍ وَمَعِينٍ

و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم
و آن دورا در سرزمینی بلند که [دارای] جایگاهی مستقر [و امن]
و آبی روان بود، جای دادیم. (۵۰)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي
بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای پیامبران! از خوردنی های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام
دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می دهید، دانایم. (۵۱)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

و بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست در حالی که آیینی
یگانه است، و من پروردگار شمایم؛ بنابراین از من پروا کنید.

(۵۲)

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ۖ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ
فَرِحُونَ

پس کار [آیین] خود را میان خویش قطعه قطعه کردند [و گروه
گروه شدند]، در حالی که هر گروهی به آن [آیینی] که نزد آنان
است خوشحال و شادمانند [که آیینشان بر حق است.] (۵۳)

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

پس آنان را در غرقاب گمراهی و جهالتشان تا هنگامی [که

مرگشان فرا رسد] واگذار. (۵۴)

أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُطْعِمُهُمْ بِهٍ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ

آیا گمان می کنند افزونی و گسترشی که به سبب مال و اولاد

به آنان می دهیم، (۵۵)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ

در حقیقت می خواهیم در عطا کردن خیرات به آنان شتاب ورزیم؟ [چنین نیست] بلکه [آنان] درک نمی کنند [که ما می خواهیم با افزونی مال و اولاد، در تفرقه، طغیان، گمراهی و تیره بختی بیشتری فروروند.] (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

یقیناً آنان که از بیم پروردگارشان هراسان و نگرانند، (۵۷)

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند. (۵۸)

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند. (۵۹)

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
رَاجِعُونَ

و آنان که آنچه را [از زکات و دیگر انفاقات در راه خدا] می پردازند، و
در حالی که دل هایشان از اینکه به سوی پروردگارشان [برای محاسبه
دقیق] باز می گردند، ترسان است. (۶۰)

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

اینانند که در کارهای خیر می شتابند، و در [انجام دادن] آن

[از دیگران] پیشی می گیرند. (۶۱)

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا^ط وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ^ج
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و هیچ کس را جز به اندازه گنجایش و توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی [چون لوح محفوظ] است که [درباره همه امور آفرینش و نسبت به اعمال بندگان] به درستی و راستی سخن می گوید، و آنان [در پاداش و کیفر] مورد ستم قرار نمی گیرند. (۶۲)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
هُمُ لَهَا عَامِلُونَ

[چنین نیست که کافران تکلیف را بیش از اندازه گنجایش و توان خود حس کنند] بلکه
دل هایشان از این [حقیقت] در بی خبری عمیقی است، و برای آنان غیر از این [بی
خبری] اعمالی [زشت و ناپسند] است که همواره آنها را انجام می دهند، (۶۳)

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ

تا زمانی که عیاشان و مرفهان آنان را به عذاب بگیریم، ناگهان فریاد و ناله سر دهند و [به آوای بلند] استغاثه کنند. (۶۴)

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ ۖ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُتَصَرُونَ

[به آنان گویند:] امروز فریاد و ناله سر ندهید؛ زیرا شما از

سوی ما یاری نخواهید شد. (۶۵)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ

همانا آیات من را بر شما می خواندند و شما به پشت سرتان

به قهقرا بر می گشتید [تا آن را نشنوید!] (۶۶)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهٍ سَامِرًا تَهْجُرُونَ

در حالی که به آن تکبر می ورزیدید [و در بزم] شبانه [خود درباره
آن] هذیان می گفتید [و سخنان نامعقول به زبان می آوردید].

(۶۷)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ

آیا در این سخن [که وحی خداست] نیندیشیدند؟ یا مگر [برای
اولین بار] کتابی برای آنان آمده است که برای پدران پیشین آنان
نیامده بود؟ (۶۸)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

یا مگر پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، امانت،
اخلاق و کرامت] نشناخته اند که منکر او هستند؟ (۶۹)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ
كَارِهُونَ

یا می گویند: نوعی دیوانگی در اوست؟ [چنین نیست که این یاوه
گویان به هم می بافند] بلکه او حق را برای آنان آورده است، و
بیشترشان حق را خوش ندارند، (۷۰)

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
 وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ
 مُعْرِضُونَ

و اگر حق از هواهای نفس آنان پیروی می کرد، بی تردید آسمان ها و زمین و هر که در آنهاست از هم می پاشید [و تباہ می شد؛ چنین نیست که حق از هواهای نفس آنان پیروی کند] بلکه کتاب [ی را که مایه شرف و سربلندی] آنان [است] به آنان داده ایم، ولی آنان از مایه شرف و سربلندی خود روی گردانند.، (۷۱)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

یا [مگر برای ادای وظیفه ات] مزدی از آنان می خواهی [که پذیرش دعوت برای آنان سنگین است؟] پس مزد پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است، (۷۲)

وَإِنَّكَ لَتَدْعُهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و مسلماً تو آنان را به راهی راست دعوت می کنی، (۷۳)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ

و بی تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند از [این] راه

منحرف اند. (۷۴)

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

و اگر به آنان رحم کنیم و آسیب و گزندى را که دچار آن هستند
[از آنان] برطرف سازيم، باز هم سرگردان و متحير در سرکشى و
طغيانشان لجاجت مى ورزند. (۷۵)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاَهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا
يَتَضَرَّعُونَ

همانا ما آنان را به بلاها و آسیب‌ها [ی دنیایی] گرفتیم، ولی نه
برای پروردگارشان فروتنی کردند و نه به پیشگاهش زاری می‌کنند،

(۷۶)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
مُبْلِسُونَ

تا هنگامی که دری از عذابی سخت به روی آنان بگشاییم، ناگهان
در آن حال از همه چیز مأیوس و نومید می شوند؛ (۷۷)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

و اوست که برای شما گوش و دیده و دل پدید آورد، ولی اندکی سپاس گزاری می کنید، (۷۸)

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و اوست که شما را در زمین آفرید و عاقبت به سوی او

گردآوری می شوید، (۷۹)

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۚ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و اوست که حیات می دهد و می میراند و رفت و آمد شب و
روز در سیطره خواست اوست، آیا نمی اندیشید؟ (۸۰)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

[نه اینکه نمی اندیشند] بلکه مانند همان [سخنان یاوه و بی

منطق] را گفتند که پیشینیان گفتند، (۸۱)

قَالُوا إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

گفتند: [که] آیا زمانی که بمیریم و خاک و استخوان شویم

حتماً برانگیخته می شویم؟ (۸۲)

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤَنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ

همانا این [برانگیخته شدن] را پیش از این به ما و پدرانمان وعده
دادند [ولی] این جز افسانه خرافی پیشینیان نیست؛ (۸۳)

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید، بگویید: زمین و هر که در

آن است از کیست؟ (۸۴)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

خواهند گفت: از خداست. بگو: با این حال آیا متذکر

نمی شوید؟ (۸۵)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بگو: مالک آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ

کیست؟ (۸۶)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

خواهند گفت: [آنها هم] در سیطره مالکیت خداست. بگو:

آیا [از پرستش بتان] نمی پرهیزید؟ (۸۷)

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید [بگویید:] کیست که [حاکمیت

مطلق و] فرمانروایی همه چیز به دست اوست و او پناه دهد و

برخلاف خواسته اش به کسی [از عذاب] پناه داده نمی شود. (۸۸)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

خواهند گفت: [این ویژگی ها] فقط برای خداست. بگو: پس

چگونه [بازیچه] نیرنگ و افسون می شوید [و از راه خدا

منحرفتان می کنند؟! (۸۹)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

چنین نیست [که آنان می گویند] بلکه ما حق را برای آنان

آورده ایم، و بی تردید آنان دروغگویند. (۹۰)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ
إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يَصِفُونَ

خدا هیچ فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست؛ [اگر جز خدا معبودی بود] در این صورت هر معبودی [برای آنکه به تنهایی و مستقل تدبیر امور کند] آفریده های خود را با خود می برد [و از مدار تصرف دیگر معبودان خارج می کرد] و بر یکدیگر برتری می جستند. منزّه و پاک است خدا از آنچه [او را به آن] وصف می کنند. (۹۱)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

[همان] دانای نهان و آشکار؛ پس او از آنچه برایش شریک

می گیرند، برتر است. (۹۲)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

بگو: پروردگارا! اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده می دهند،

به من بنمایانی؛ (۹۳)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس پروردگارا! مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده [و با

آنان قرین عذاب مکن.] (۹۴)

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لِقَادِرُونَ

و به یقین ما تواناییم آن عذابی که به آنان وعده می دهیم به

تو بنمایانیم. (۹۵)

ادْفَعْ بِأَلْبَابِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

بدی را با بهترین شیوه دفع کن؛ ما به آنچه که [مشرکان به

ناحق ما را به آن] وصف می کنند، داناتریم. (۹۶)

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

و بگو: پروردگارا! از وسوسه های شیطان ها به تو پناه

می آورم، (۹۷)

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

و پروردگارا! به تو پناه می آورم از اینکه [شیطان ها] نزد من

حاضر شوند. (۹۸)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

[دشمنان حق از دشمنی خود باز نمی ایستند] تا زمانی که یکی از

آنان را مرگ در رسد، می گوید: پروردگارا! مرا [برای جبران

گناهان و تقصیرهایی که از من سر زده به دنیا] بازگردان؛ (۹۹)

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ
قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

امید است در [برابر] آنچه [از عمر، مال و ثروت در دنیا] وا گذاشته ام کار شایسته ای انجام دهم. [به او می گویند:] این چنین نیست [که می گویی] بدون تردید این سخنی بی فایده است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند. (۱۰۰)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا
يَتَسَاءَلُونَ

پس هنگامی که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان
خویشاوندی و نسبی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال
یکدیگر می پرسند؛ (۱۰۱)

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین [و باارزش]

است، همانانند که رستگارند. (۱۰۲)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي
جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک [و بی ارزش] است،
همانانند که سرمایه وجودشان را از دست داده و در دوزخ جاودانه
اند. (۱۰۳)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

آتش [همواره] صورت هایشان را می سوزاند، و آنان در آنجا

[از شدت سوختگی] زشت رویانی بد منظرند! (۱۰۴)

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

[خدا به آنان می گوید:] آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد

و شما [همواره] آنها را تکذیب می کردید؟ (۱۰۵)

قَالُوا رَبَّنَا غَابَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

می گویند: پروردگارا! تیره بختی و شقاوت ما بر ما چیره شد،

و ما گروهی گمراه بودیم. (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آر، پس اگر [به بدی ها و گمراهی

ها] بازگشتیم، بی تردید ستمکار خواهیم بود. (۱۰۷)

قَالَ اخْسَأُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

[خدا] می گوید: [ای سگان!] در دوزخ گم شوید و با من

سخن مگویید! (۱۰۸)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

[به یاد دارید که] گروهی از بندگان من بودند که می گفتند:
پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو
بهترین رحم کنندگانی. (۱۰۹)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ
تَضْحَكُونَ

ولی شما آنان را به مسخره گرفتید، تا [دل مشغولی شما به مسخره
آنان] یاد مرا از خاطرتان برد، و شما همواره به [ایمان، عمل و
دعاهای] آنان می خندیدید!! (۱۱۰)

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

من امروز آنان را در برابر صبری که [نسبت به مسخره و خنده شما] کردند پاداش دادم که همه آنان کامیابند. (۱۱۱)

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

[خدا] می گوید: از جهت شمار سال ها چه مدت در زمین

درنگ داشتید؟ (۱۱۲)

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ

می گویند: روزی یا بخشی از روزی، ولی [ای پرسنده!] از

شمارندگان [پیشگاه خود] پرس. (۱۱۳)

قَالَ إِنَّ لِبَيْتِكُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

[خدا] می گوید: اگر معرفت و شناخت می داشتید [می

دانستید که] جز اندکی درنگ نکرده اید، (۱۱۴)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به

سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ^{طه}لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْكَرِيمِ

پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و
عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش
نیکو و باارزش است. (۱۱۶)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ
عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

و هر کس با خدا معبود دیگری پرستد [که] هیچ دلیلی بر
حَقَّانیت آن ندارد، حسابش فقط نزد پروردگار اوست؛ بدون تردید
کافران، رستگار نمی شوند. (۱۱۷)

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

و بگو: پروردگارا! [مرا] بیامرزد و [بر من] رحم کن و تو

بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۸)